

گزارش « سی و پنجمین » دوره‌می قرآنی در مسجد سیدالشهداء صلوات الله علیه:

(از ساعت ۲۰،۴۰ تا ۲۱،۴۰ - شنبه: ۱۹ خرداد ماه ۱۴۰۳)

« پرسشی » این جلسه: « فرق اذن و سمع » و « عیون و ابصار » و « قلب و أفئده » و « شکر و شکر و شکر » چیست؟

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (مؤمنون/۷۸)

(و اوست که فقط برای شما شنوائی و بینائی‌ها و مرکز فرماندهی ایجاد کرد، چه کم قدردانی می‌کنید.)

نکته اول: از عبارت: « **أَنْشَأَ لَكُمْ** » معلوم می‌شود که خداوندِ علیم حکیم، علاوه بر « اندام‌های مادی » و « توانائی‌های حرکتی » که در « همه حیوانات » قرار داده، « سه توانمندی بسیار ارزشمند » و « بسیار مهم و حیاتی: **السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ** » را « فقط » به انسان « امانت » داده است.

نکته دوم: « اذن، اندام » و « سمع، توانائی شنوائی » است و « اولین **حسی** » است که (قبل از تولد)

در نوزاد فعال می‌شود و « آخرین **حسی** » است که از انسان زائل می‌شود (و تا دقایقی بعد از مرگ فعال است.)

نکته سوم: « حیوان » هر « صدائی » را « بی‌اختیار » می‌شنود اما « انسان » علاوه بر اینکه صداها را می‌شنود می‌تواند **۱-** از میان صداها محیط « صدای خاصی » را « گزینشی » بشنود، **۲-** می‌تواند آن صدا را « **إستماع** » کند و « پیام » آن را بفهمد و آنرا بپذیرد و به آن عمل کند، **۳-** و می‌تواند خود را به « نشنیدن = **کری** » بزند: ... **كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا** ... (جاثیه/۸) **وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا** ... (أعراف/۱۷۹)

افراد « **کر** » همه صداها را می‌شنوند و فقط « **هشدارهای الهی و سخن حق** » را نمی‌شنوند.

نکته چهارم: « عین، اندام دیدن » است و « حیوانات و حشرات » با « **۲ چشم ساده** یا مرکب »، « نگاه غیر ارادی » دارند، اما انسان علاوه بر « دیدن غیر ارادی » می‌تواند: به مناظر « **نظر** » کند، یا آنها را در حال حرکت « **تماشا** » کند، یا « **پشتِ صحنه پنهان وقایع** » را با « **بصیرت** » کشف کند، یا « **کلیت** یک فرد یا حادثه تاریخی » را « **رؤیت** » کند و درباره آن « **رأی** » بدهد، یا « هر چیزی » را با « **دقت عالمانه معاینه** » کند و به « **استنباطِ خاصی** » برسد، یا « **حقایق نامرئی** » را « **مشاهده** » کند.

افراد « **کوردل** »، « **همه دنیا** » را می‌بینند و فقط « **آیات الهی و اراده خداوند** » را نمی‌بینند.

نکته پنجم: آن بخش از « **روح** » انسان که ارتباط او را با « **مقلب القلوب** » و « **عالم غیب** » برقرار و « پیامهای وحیانی یا الهامات » را دریافت می‌کند، « **قلب** » نامیده می‌شود، اما آن بخش از « **روح** » که محل « **تفکر و تعقل** » است و نحوه « **افکار، گفتار، رفتار** » انسان را « **فرماندهی و مدیریت** » و به او « **شوقِ زندگی** » می‌دهد « **فؤاد** » نامیده می‌شود. {فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ} (ابراهیم/۳۷)

نکته ششم: « تنها **آزمون** » انسان « **شکر** » است: **إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ ... نَبْتَلِيهِ ... إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا** (انسان/۳)

نکته هفتم: « **شکر** » یعنی: « هر چیزی را نعمت » و « از خدا دیدن » و « **طبق نظر او عمل کردن** ». « **شکر** » یعنی: « چیزی را نعمت و جلوه اراده خدا ندیدن » و « **بدلخواه خود** از آن بهره بردن. « **قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ... (أنعام/۱۵۱) إِنَّ الشَّيَاطِينَ ... إِنَّ أُطْعَمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ** (أنعام/۱۲۱)